

## جادو در فرهنگ ایران بخش سوم: چهار شنبه سوری از دکتر عباس احمدی

یکی از مراسم نوروز در ایران، مراسم چهار شنبه سوری است. در مراسم چهار شنبه سوری، چهار آیین به چشم می خورد: آیین قاشق زنی، آیین پریدن از روی آتش، آیین شکستن کوزه، و آیین بازکردن قفل. برای کند و کاو در این مراسم، از عصر علم به عصر مذهب و از عصر مذهب به عصر جادو می رویم.

### ۱- آیین قاشق زنی

در مقاله ی پیش نشان دادیم که یکی از مراسم چهار گانه ی چهار شنبه سوری، یعنی مراسم «قاشق زنی»، شبیه به مراسم «چمچه گلین» است. در آن مقاله برای اولین بار این فرضیه را مطرح کردیم که آیین قاشق زنی، مانند مراسم چمچه گلین، یک نوع جادوی تقلیدی برای باران سازی است. در قاشق زنی نیز، مانند مراسم چمچه گلین، دختر بچه ها به در خانه ها می روند و صاحب خانه ها به آن ها مواد غذایی می دهند. «قاشق» در مراسم قاشق زنی، مانند «چمچه» در مراسم «چمچه گلین»، مظهر و سمبول و نماد روح درختی و روح باروری و برکت است. در آن گفتار، ادعا کردیم در مراسم قاشق زنی، قسمت آب پاشیدن و قسمت آتش پختن، از بین رفته است. به دنبال پیدا کردن این قسمت‌های گمشده بودم که به مطلب زیر در کتاب نیرنگستان نوشته ی زنده یاد صادق هدایت، برخورد کردم. «اگر کسی ناخوش داشته باشد، به نیت سلامتی او، در شب چهار شنبه سوری ظرفی برداشته می رود در خانه ی همسایه ها را می کوبد و بدون آن که چیزی بگوید با قاشق به آن ظرف می زند. صاحب خانه یا خوراکی یا پول در ظرف او می اندازد. آن خوراکی ها را به ناخوش می دهند و یا با آن پول چیزی می خرد و به ناخوش می خوراند تا شفا یابد. در همین شب کوزه ی آبی زیر ناودان رو به قبله می گذارند (۲)» اگر خاطرتان باشد، در مراسم چمچه گلین نیز عروسک مخصوصی را زیر ناودان رو به قبله می گذارند. گرچه در نمونه ای که صادق هدایت آورده است، با خوراکی های مراسم قاشق زنی، آتش نمی پزند تا فدیة ی آنهایتا کنند، اما صفت جادویی این خوراکی ها در خاصیت شفا دهندگی آن هاست. که می تواند بیماران را شفا دهد. ممکن است بعضی از دوستان ایراد بگیرند که درست است که یک قدم به مقصود خود نزدیک تر شده ای ولی هنوز رسم آتش پختن را به طور مستقیم نشان نداده ای. ایراد آن ها درست است. برای رفع این ایراد، نمونه زیر را می آورم. «از دیگر آیین های چهار شنبه سوری، قاشق زنی می باشد. زنان و دختران آرزومند و حاجت دار، قاشق و کاسه ی مسی بر می داشتند و به در خانه های مردم رفته، به طوری که شناخته نشوند، شروع به قاشق زنی می کردند. مردم در کاسه های آنها مواد غذایی و یا پول می ریختند. از پول و مواد جمع آوری شده از راه قاشق زنی، آتش بیمار و یا آتش امام زین العابدین بیمار (ع) می پختند. (۳)» همان طور که می بینید، آتش حضرت زین العابدین بیمار (ع) در مراسم قاشق زنی معادل آتش حضرت فاطمه ی زهرا (ع) در مراسم چمچه گلین است. می دانیم که هردوی این آتش ها، در اصل، به عنوان فدیة ای برای آنهایتا، ایزد بانوی باروری و برکت، پخته می شده است. بعد از حمله ی اعراب به ایران، بسیاری از آیین های باستانی، برای مصون ماندن از حمله ی قشریون متعصب، تحت نام مقدس امامان و ائمه ی اطهار علیهم السلام به زندگی خود ادامه دادند.

### ۲ آیین پریدن از روی آتش

به عقیده ی ما آیین پریدن از روی آتش نوعی جادوی سرایتی به شمار می روند. برای

اثبات این فرضیه، ابتدا، چند نمونه از نقاط مختلف ایران می آوریم و سپس آن ها را از نظر جادو شناسی مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم.

### نمونه ها

نمونه ی اول - در شاهرود، زنان روستای «دهملا»، در شب چهارشنبه سوری، سه سه کوچه، سه کپه ی آتش روشن می کنند. سپس کوزه ی کهنه ای را که به آن «کِل تُنگو» می گویند از پشت بام به زمین می اندازند و با خود می گویند «نحسی به در».

(۱)

نمونه ی دوم - در خور، نزدیک نایین، استان اصفهان، جشن چهارشنبه سوری با افروختن شاخه ی درخت خرما به دست کدبانوی خانه شروع می شود. در این شب، بانوی خانه، آتش افروخته را از بام به کوچه می اندازد و می گوید: «الا به در، بلا به در! دزد و هیزا، زده به در» (۱)

نمونه ی سوم - در شب چهارشنبه سوری بالای بام خانه آتش روشن می کنند. در کوزه پول سیاه انداخته و غروب آفتاب آن را از بالای بام در کوچه می اندازند و می گویند: «درد و بلام بره تو کوزه بره تو کوچه!» (۲)

نمونه ی چهارم - شب چهارشنبه، بته ی خشک را، در هفت کپه یا سه کپه، آتش می زنند و همه ی اهل خانه از کوچک و بزرگ از روی آن می پرند و می گویند: «زردی و رنجوری من از تو سرخی و خرمی تو از من» (۲)

### تحلیل

اولین سوال این است که چرا در مراسم چهارشنبه سوری، مردم آتش روشن می کنند؟ به عقیده ی بسیاری از محققان، از جمله دکتر مهرداد بهار، در آخر سال، ارواح مردگان و یا فروهر ها برای دیدار بستگان شان از آسمان به زمین می آیند و مردم آتش روشن می کنند تا ارواح مردگان به آسانی خانه ی بستگان شان را پیدا کنند. دلیلی هم که برای این فرضیه می آورند این است که آریا ها مردمانی مرده پرست اند و این مراسم نوعی آیین نیا پرستی است (۳). آخوند ها نیز می گویند مراسم روشن کردن آتش در مراسم چهارشنبه سوری یاد آور آتش پرستی گبر هاست و به همین دلیل با آن مخالفت می کنند. اما من نظر دیگری داریم. من می گویم که مراسم پریدن از روی آتش نوعی جادوی سرایتی است. بومیان ایران، معتقد بودند که با تماس با آتش می توانند، در یک لحظه ی کوتاه، زردی و رنجوری خود را به آتش بدهند و در عوض سرخی و خرمی آتش را به خود منتقل کنند. این موضوع به وضوح در نمونه چهارم به چشم می خورد، در آن جا که هنگام پریدن از روی آتش می گویند: «زردی و رنجوری من از تو سرخی و خرمی تو از من» این یک نوع جادوی سرایتی است که دو موجود از راه تماس، صفات خود را به یکدیگر «سرایت» می دهند.

### ۳ - آیین شکستن کوزه

نکته ای که فرضیه ی ما را در برابر فرضیه ی «مرده پرستی آریایی ها» و نیز در برابر فرضیه ی آخوندی «آتش پرستی گبر ها» تقویت می کند مراسم شکستن کوزه است. در این مراسم، مردم درد و بلا ی خود را از راه جادوی سرایتی به کوزه منقل می کنند و کوزه را از پشت بام به کوچه می اندازند تا به این ترتیب رنجوری و بیماری را از خانه ی خود دور کنند. به عنوان مثال، در نمونه سوم در کوزه پول سیاه می اندازند و غروب آفتاب آن را از بالای بام در کوچه می اندازند و می گویند: «درد و بلام بره تو کوزه بره تو کوچه!».

### ارتباط بین پریدن از روی آتش و شکستن کوزه

اگر فرضیه ی ما در مورد مراسم پریدن از روی آتش درست باشد باید در بعضی از این مراسم به جای کوزه، بته ی مشتعلی را از بام به کوچه بیاندازند و درد و بلا را به این ترتیب از خود دور کنند. یعنی، ابتدا بته ای را آتش بزنند و درد و بلا ی خود را به آن

منتقل کنند و سپس آن را از بام به کوچه بیاورند. این نمونه ی شکفت انگیز را در نایین پیدا می کنیم. در نایین، کدبانوی خانه به جای کوزه، شاخه ی درخت خرما را آتش می زند و از بام به کوچه می اندازد و می گوید: «الا به در، بلا به در» و هیزا، زده به در». در این جا بخوبی می بینیم که آتش، نقش کوزه را بازی می کند. در بعضی از مراسم نیز گرچه آتش را از بام به کوچه نمی اندازند، اما پس از پدید آمدن آتش و انتقال دادن بیماری و رنجوری به آتش، خاکستر آن را جمع کرده و از خانه بیرون برده و در سر چهار سو ها می ریزند. در این زمینه به این نمونه توجه کنید. «در قدیم رسم بر این بود که زنی خاکستر بوته ها را جمع کرده و در سر چهار سو ها می ریخت و در بازگشت به خانه می پرسیدند کیه؟ او می گفت منم. بعد می پرسیدند از کجا آمده ای؟ او می گفت از عروسی. سپس می پرسیدند چه آورده ای؟ او می گفت تندرستی. آن وقت در خانه را به رویش باز می کردند. (۳)» در این نمونه، به خوبی می بینیم که خاکستر جادویی را، مانند کوزه ی کهنه، از خانه به دور می ریزند تا با این آیین جادویی، بیماری و رنجوری (= نحوست) را از خانه ی خود دور کنند.

#### ۴ - آیین باز کردن قفل

در این جا، به چهارمین آیین مراسم چهارشنبه سوری، یعنی به آیین «بازکردن قفل» می پردازیم. به عقیده ما، آیین «بازکردن قفل» نوعی جادوی تقلیدی برای جفت گیری و کامجویی است. ابتدا به این چند نمونه از کتاب کوچه توجه کنید:

#### نمونه ها

نمونه ی اول - «در خراسان در شب چهارشنبه سوری دختری که دم بخت است قفلی را به زنجیری بسته به گردن خود آویزان می کند به طوری که قفل میان دو پستان او قرار می گیرد. و بعد، وقت غروب می رود سر چهار راه، کلید قفل را زیر پای راست خود می گذارد و یک عدد آیینی کوچک هم زیر پای چپ خود قرار می دهد و منتظر می نشیند. هر مردی از آن جا رد می شود صدا می کند: ای آقا، بیا این قفل را باز کن. آن شخص کلید را از زیر پای راست دختر بر می دارد و قفل را باز می کند. پس از آن دختر آینه را از زیر پای چپ خود بیرون می آورد و به صورت خود نگاه می کند. (۲)»

نمونه ی دوم - «در شب چهارشنبه سوری گوشه ی چادر دختر خانه مانده را سوراخ می کنند و قفلی از آن می گذرانند و می بندند. بعد دختر با یکی از پیرزن های خویش سر چهار راهی می ایستد و از هر مردی که می گذرد می پرسد: ای آقا، اسم شما محمد است؟ اسم شما علی است؟ اگر جواب مثبت باشد کلید را به دست او می دهد و خواهش می کند قفل را باز کند. بعد مشتکی نقل و نبات به او می دهد. (۲)»

نمونه ی سوم - «در شب چهارشنبه سوری، دخترهایی که بخت شان بسته است (یعنی شوهر گیرشان نمی آید) قفلی را بسته به زنجیری آویخته به گردن خود می اندازند که قفل روی سینه میان دو پستان شان قرار می گیرد. بعد وقت غروب می روند سر راه چهار راه. هر سید که رد می شود صدا می کنند که بیاید قفل را باز کند تا بختشان باز شود. (۲)»

نمونه ی چهارم - «پیش از در آمدن آفتاب، دختر قفلی را بر می دارد و به کمر می بندد، آن را کلید می کند و کلیدش را به کمر می اندازد و به راه می افتد. قفل را چنان بسته که عابران ببینند. آنگاه مرد عابری که مطلب دستگیری می شود پیش می آید و قفل را باز می کند (۲)».

#### تحلیل

قفلی که این دختران دم بخت به گردن می اندازند، به وضوح سمبول آلت تناسلی زنانه است و باز کردن قفل نیز سمبول جفتگیری بین زن و مرد است. این مراسم، یک نوع جادوی تقلیدی برای کامجویی و پیدا کردن جفت است. دختر نوبالغ، می خواهد

طبیعت را مجبور کند که از عمل چرخیدن کلید در قفل تقلید کند و کلید نرینه ای برای قفل مادینه ی دختر جوان فراهم آورد .

### نتیجه گیری

۱ - مراسم قاشق زنی در شب چهارشنبه سوری یک نوع جادوی تقلیدی برای باران سازی است .

۲ - مراسم پریدن از روی آتش و شکستن کوزه در شب چهارشنبه سوری نوعی جادوی سرایتی برای دور کردن درد و بلاست .

۳ - مراسم باز کردن قفل در شب چهارشنبه سوری نوعی جادوی تقلیدی برای جفت یابی است .

\*\*\*

منابع:

۱ - مقاله ی «تنوع مراسم نوروز در میان ایرانیان»، نوشته ی ماری پرهیزکاری، روزنامه ی دوران امروز، یکشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۷۹، صفحہ ی ۹ .

۲ - کتاب کوچہ، احمد شاملو، حرف «ب»، صفحہ ها ی ۸۳۴ - ۸۳۲

۳ - مقاله ی «زردی من از تو سرخی تو از من»، نوشته ی محمد رضا ارشاد، روزنامه ی همشهری، سه شنبه ۲۳ اسفند ۱۳۷۹ .

\*\*\*

NewYear3.vnf